



۲۰۱۴/۰۱/۰۸

م، نعیم بارز

جناب رئیس جمهور اشرف غنی، صد روز کاری تان گذشت خود بگوئید کامیاب هستید یا ناکام؟

اگر بپذیریم که کار دولت اساساً با تشکیل کابینه و تعیین وزراء آغاز می شود، پس اکنون که صد روز گذشته و خبری از کابینه و وزرای جدید نیست به مردم چه خواهید گفت؟ معلوم است که چندان چیزی برای گفتن ندارید. کارمندان دولت و یا خوشبین های رئیس جمهور وقتی از سوی ژورنالیست ها راجع به صد روز کاری زیر سؤال قرار می گیرند، آنها از کابل بانک، امضای قرار داد نظامی با امریکا، سفر های خارجی و کار های را که بدنه دولت آقای کرزی انجام می دهد به حساب می آورند، یعنی حرف های میان تهی تحویل مردم میدهند.

کسانیکه اندک درکی از سیاست دارند اینرا از همان لحظه پذیرفتن طرح «حکومت وحدت ملی» و پنجاه پنجاه در صد تقسیم قدرت میدانستند که چنین بن بستى به میان خواهد آمد. زیرا تجارب تاریخی در سطح جهان بار ها نشان داده است جامعه مثل افغانستان که به ساختار های مدرن (دولت ملت) نرسیده باشد، رفتن به سوی تشکیل «حکومت وحدت ملی» بلا تردید دو دستگی و یا چند دستگی را به وجود می آورد و آنگاه در کشمکش قدرت سرنوشت کشور منجر به تجزیه خواهد شد، نمونه مشخص کشور سودان است که در همین چند سال اخیر در دعوی قدرت جنگ و خونریزی بالاخره به دو قسمت جنوبی و شمالی تقسیم گردید که هنوز هم جنگ و خونریزی در آنجا پایان نیافته است. در حال طرح سیاسی «حکومت وحدت ملی» در افغانستان در واقعیت امر برگشت به سال ۲۰۰۱ است، اگر در آن زمان و تحت شرایط خاص و زیر فشار های از داخل و خارج اداره مؤقت و دولت مؤقت تشکیل گردید و نهاد های دولت از افراد جنگسالار و گروه های متخاصم روی کار آمدند و به خاطر وضع شکننده دولت، بیشتر از هر چیز به حفظ ثبات کشور اهمیت داده شد که تا حدودی امر ناگزیر بود ولی در مدت سیزده سال سیاست گذشت و مصلحت جویی زمینه ساز آن شد تا افرادی در زد و بند با مقامات دولتی و خارجی سوء استفاده های زیادی نمایند که فساد گسترده ای سرا پای کشور را فرا گرفت، مگر همینکه ثبات نسبی در دولت حفظ شد و منجر به جنگ داخلی نگردید، می توان نتایج کار را در کل مثبت ارزیابی کرد.

از نظر دور نداریم که در مدت سیزده سال کارهای زیادی چه در بخش سکتور دولتی و چه در سکتور خصوصی به عمل آمده است. مثلاً زمینه تحصیل برای میلیون ها پسر و دختر افغان فراهم شده، ویرانی جنگ بازسازی و کار تأسیسات جدید آغاز و ادامه یافته؛ آزادی بیان، مطبوعات آزاد چون رادیو تلویزیون، نشر اخبار و کتب رنگ و رونق بی سابقه ای به خود گرفته که بدون شک در بالا رفتن سطح آگاهی مردم تاثیر به سزایی داشته است. مهمتر از همه تشکیل اردو و پولیس ملی اند که جمعاً به سه صد و پنجاه هزار نفر رسیده و به تدریج تا حدودی جای افراد غیر مسلکی را صاحب منصبان تحصیل کرده و مسلکی گرفته و اکنون خوشبختانه برغم کمبود نیروی هوایی و محدود بودن ساز و برگ تسلیحاتی قادر اند در غیاب نیرو های بین المللی از عهده مبارزه علیه فعالیت های سازماندهی شده تروریسم بدر آیند.

خلاصه داکتر اشرف غنی و داکتر عبدالله عبدالله در حالی دولت را از رئیس جمهور کرزی تحویل گرفته اند که دارای یک اردو و پولیس ملی نسبتاً قوی بوده و گفته می شود که علاوه از هزاران فرد تحصیل کرده به سویه لیسانس حدود پنج هزار ماستر و دوکتور در رشته های مختلف در کشور وجود دارند، وضع تجارت و اقتصاد در دولت کرزی به تناسب همه حکومت های قبلی بهتر بود.

ولی اکنون آنچه برای مردم ایجاد ترس و خطر می کند وضعیت موهومی به اصطلاح «حکومت وحدت ملی» است و این تشویش مردم دور از واقعیت هم نیست. بی تردید بالاخره کابینه تشکیل و اعلام خواهد شد اما سردرگمی بیش از سه ماه نشانگر اختلافات شدیدی بین جنون زدگان قدرت است، مردم انتظار نداشتند که آقای اشرف غنی به چنین طرح خلاف قانون اساسی و غیر عملی امریکائی ها تن دهد، طرح مذکور چیز تازه و طوریکه استدلال می کنند از

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

روی در ماندگی نبوده بلکه بر اساس یک برنامه از قبل مد نظر بوده، چنانکه قبلاً در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ نیز از سوی امریکائی ها به کرزی پیش کش شده بود اما کرزی در برابر آن سر سخت مقاومت کرد و آن را نپذیرفت.

برای روشن شدن این مسأله به قسمت های از کتاب کای آیدی نماینده سرمنشی سازمان ملل در امور افغانستان و پاکستان که از سوی محترم داکتر سید عبدالله کاظم ترجمه و در سایت «افغان جرمن آنلاین» موجود است مراجعه می کنیم: فصل بیستم کتاب مبارزه قدرت در افغانستان از صفحه ۱۴۸ الی ۱۵۸ جنگسالاران سابق داخل صحنه می شوند.

«در طول هفته ها در ماه های اخیر قبل از انتخابات یک جدال دیگر موجب اختلال خاطر رئیس جمهور کرزی گردید و آن از ابراز نظر بعضی نمایندگان امریکائی و اروپائی مبنی بر فقدان توانایی رئیس جمهور در پیشبرد امور حکومت بود، آنها می خواستند تا یک مقام دیگر را همچو صدراعظم یعنی مسؤول امور روز مره حکومت به وجود آورند. از آنجائیکه رئیس جمهور در عین زمان ریاست حکومت را نیز بر عهده دارد و تعیین صدراعظم یا وزیر ارشد در قانون اساسی افغانستان پیش بینی نشده است. لذا باید یک بدیل دیگر برای آن پیدا شود، اوراق و نظریات فراوان در زمینه در کابل و همچنان در پای تخت های غربی در جریان افتاد که یک مقام ارشد اجرایی باید ایجاد گردد؛ حتی یک وزیر خارجه اروپائی خودش یک پیشنهاد تحریری مستقیم به کرزی ارائه کرد، بعضی پیشنهاد ها حاکی از آن بودند که صلاحیت عزل و نصب والی ها و سائر مأمورین کلیدی حکومت از رئیس جمهور سلب گردد. واضح بود که کرزی در برابر آن عکس العمل نشان می داد و او همچو پیشنهاد را یک نمونه دیگر مداخله به وسیله جامعه بین المللی می دانست که به هدف تضعیف او بکار می رود».

کای آیدی به ادامه می گوید: «کرزی این موضوع را با من چند بار مطرح کرد، من این پیشنهاد ها را بیهوده و مضر می دانستم، این وظیفه ما نبود که حکومت افغانستان را سازماندهی مجدد کنیم یا قدرت رئیس جمهور را محدود سازیم، این پیشنهاد ها چندان قابلیت توجه را نداشتند و تنها موجب رنجش مزید کرزی از شخصیت های مهم بین المللی می شدند، در اثنای یکی از این ملاقات ها کرزی از من پرسید که در پی این همه نظرات چه هدفی نهفته است؟ من برایش گفتم که هر دوی ما از فقدان استعداد های اداری رنج می بریم، پیدا کردن یک راه حل برای بهبود بیشتر روابط حکومت یک کار خوب بود و می بایست بعد از انتخابات مطرح می شد، من از نمایندگان بین المللی خواهش کردم که به همچو مباحثات پایان دهند.»

نوشته محترم احسان الله مومند: twittern

سخنان رئیس جمهور کرزی تحت جمله ای از کای آیدی «ملک غریب مانند افغانستان قانون اساسی را چه می کند؟ روز شنبه ۱۳ عقرب ۱۳۹۱ شمسی برابر با سوم نومبر ۲۰۱۲ کنفرانسی در ارگ ریاست جمهوری با جمعی از مسؤولان رسانه های چاپی، صوتی و تصویری تحلیلگران امور سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی و منتقدان فعال بی طرف و باطرف کشور، آقای کرزی خطاب به حاضرین چنین می گوید:

«امریکا و انگلستان کشورهای پیشرفته هستند، آنها در کشور های غریب حکومت آزاد نمی خواهند، آنها در انتخابات افغانستان تقلب کردند بی. بی. سی. و سی. ان. ان. طلوع و امثالهم را استعمال کردند. رئیس جمهور ضمن تماس به انتخابات گذشته ریاست جمهوری از داستان تقلب خارجی ها در انتخابات بر ضد او و استفاده آنها از رسانه های داخلی و خارجی یاد کرده گفت که خوب گوش کنید: در یکی از روز های انتخابات ۲۰۰۹ کای آیدی نماینده سرمنشی ملل متحد، نزد آمد، وی خواست با من تنها ببیند، خارجی ها نمی خواستند که نتایج انتخابات اعلان شود. کای آیدی آدم خوب بود ولی زیر فشار امریکا و دیگران می خواست با من تنها ببیند، من قبول نکردم و گفتم داکتر سپینتا (وزیر خارجه وقت) و یا داکتر زلمی رسول (مشاور امنیت ملی وقت) باید به حیث شاهد حاضر باشد. در وقت ملاقات به حضور داشت زلمی رسول، کای آیدی گفت که پیامی از امریکا، انگلستان و فرانسه دارد و آن اینست که شما پنجاه و یک اعشاریه هفت در صد رای برده اید و یا چهل و نه اعشاریه شش فیصد. رئیس جمهور گفت که وی در آنوقت به کای آیدی گفت که اگر رای حساب شده، اینطور چه طور امکان دارد که دو نوع رأی داشته باشم!

کای آیدی گفته که این تعلق دارد به خودت که با غرب موافقه می کنی یا خیر؟ و رئیس اجرائیه را قبول کنی یا نه اگر قبول کنی رأی شما پنجاه و یک اعشاریه هفت است و اگر نه چهل و نه اعشاریه شش فیصد اعلان می شود.

کرزی من گفتم که این فیصله را نمی پذیرم و نتیجه اعلان شد. رئیس جمهور گفت که دو روز بعد کای آیدی باز آمد و گفت که انتخابات به دور دوم رفته ولی سکرتر جنرال ملل متحد می آید و اگر خودت رئیس اجرائیه را قبول کنی و کار مشترک با سه نفر را که اسمای دو نفرشان را گرفت و سومی را معرفی نکرد، آغاز کنی در آنصورت خودت برنده اعلان می شوی، رئیس جمهور گفت که من این پیشنهاد را قبول نکردم و به او گفتم که این خلاف حکم قانون اساسی است.

کای آیده گفت: «**ملک غریبی مانند افغانستان قانون اساسی را چه می کند؟**».

نقل قول های بالا به صراحت میرساند که در انتخابات سال ۲۰۰۹ نسبت اینکه امریکائی ها دریافته بودند که رئیس جمهور کرزی از اوامر شان مزدور وار اطاعت نمی کند در نظر داشتند او بار دیگر به قدرت نرسد و یا تشکیل دیگری بسازند و قدرت دیگری را در کنار او ایجاد کنند تا به خواست ها و اراده آنها گردن نهد. طبق این مرام واقعاً نخست تلاش زیاد کردن که کرزی بار دوم بریاست جمهوری نرسد لکن در جریان انتخابات متوجه شدند که کسی جای او را گرفته نمی تواند. پس کوشیدند شخص داکتر عبدالله را بنام رئیس اجرایی موازی با صلاحیت رئیس جمهور در کنار کرزی قرار دهند اما کرزی زیر بار شان نرفت و تسلیم نشد آنگاه جنگ های رسانه ای بیشتر از هر وقت دیگر میان کابل و وشنگتن به اوج خود رسید و سر انجام اینک در انتخابات سال ۲۰۱۴ بار دیگر مداخله کردند و هدف خود را در یک مصلحت به اصطلاح سیاسی «پست ریاست اجرایی» و تشکیل «حکومت وحدت ملی» به داکتر اشرف غنی تحمیل نمودند، متأسفانه اکنون یکصد و دو روز گذشته از تشکیل کابینه خبری نیست و در تمام ساحات زندگی مردم سکوت و نا آرامی حکم فرماست و معلوم شده است که تنها تعیین کابینه مشکل گشا نخواهد بود بلکه بیشتر از پیش بر بحران موجود خواهد افزود.

پایان

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ